

پژوهش و نوشته:  
دکتر شاهپور گودرزی نژاد  
استاد گروه آموزشی جغرافیا

## ایرندگان\*

### بستر طبیعی:

بخش ایرندگان از شهرستان خاش، استان سیستان و بلوچستان، در جنوب شرقی ایران تقریباً در محدوده ریاضی  $27^{\circ}05' - 27^{\circ}25'$  عرض شمالی و  $61^{\circ}47' - 60^{\circ}$  طول شرقی واقع شده است.

بخش ایرندگان قسمت اعظم حوضه آبرگیر بین خاش و ایرانشهر یا بهتر دره رودخانه ایرندگان را که از کوه بیرگ (برق) سرچشمه می‌گیرد و از طریق دره دامن به رود بمپور می‌پیوندد می‌پوشاند. دره ایرندگان در بلوچستان خشک و کم آب یکی از نواحی مستعد جلب و تراکم جمعیت است و وجود این رود که حتی در تابستان زه آب آن به صورت طبیعی مزارع و نخلستانهای فراوانی را در حوالی میان رود، عملاً بین مارندگان و دادخان (نقشه) آبیاری می‌کند نعمت‌بی‌مانندی است. حوضه آبرگیر ایرندگان خارج از شاخه‌های سرچشمه در کوه بیرگ (آهک - های دوران دوم) بکلی بر سطح فلیشهای ائوسن گسترش یافته است. فرسایش آب نقش بسیار مهمی در تغییر شکل ظاهری ناهمواریها به ویژه در مجاور بستر اصلی داشته است.

اختلاف جنس سازندهای ائوسن و در نتیجه اختلاف مقاومت آنها در مقابل عوامل فرسایش در طول زمان ناهمواری خاصی به وجود آورده که مشابه آنرا در

---

\* Èrandegān - در بهمن ماه سال ۱۳۵۶ به مدت ۱۵ روز در محل پژوهش به عمل

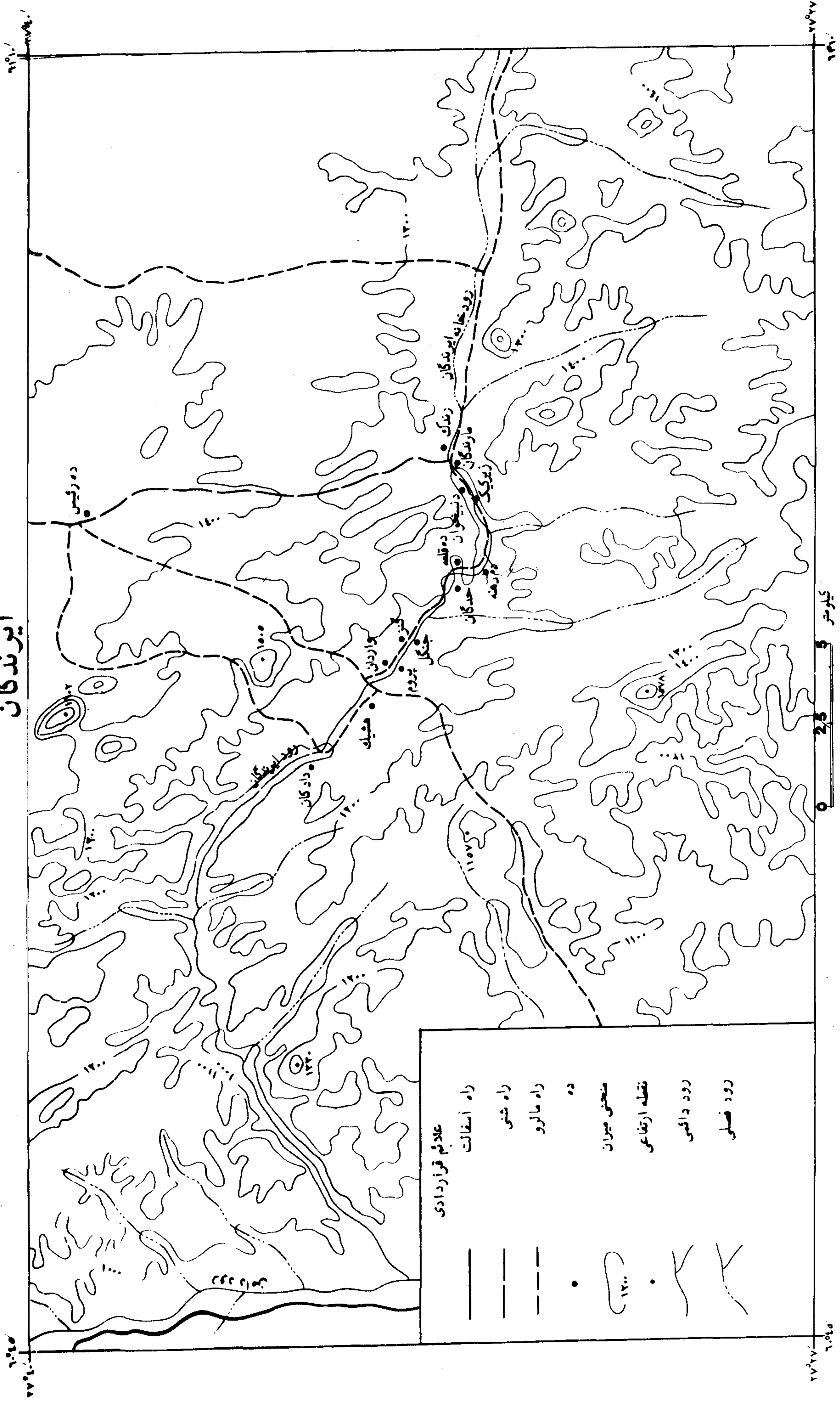
آمده است.

۱- بیرگ (Birg) در لهجه بلوچی به معنای «برق» است.

سراسر حوضه فلیشها در جنوب شرقی ایران می‌توان مشاهده نمود. هنگامی که مقاومت رسوبات کم بوده (شیست) دره‌ها گسترش عرضی فراوان یافته و در نقاطی که سازندهای درونی ویا آهک‌های نومولیت‌دار سخت وجود دارد برجستگی‌های منفرد مشخصی تشکیل داده‌اند. ساختمان ناهمواری در مجموع شامل چین‌های موازی با جهت شمال غربی - جنوب شرقی است و اغلب گسل‌های بزرگی با همین جهت در آنها به وجود آمده است. هرچند گاهی قسمتی از بستر اصلی و تعدادی از شاخه‌های فرعی منطبق بر محل این گسلها است اما شبکه اصلی که به ویژه در بالا رود سطح محور چین‌ها را قطع نموده یک شبکه فرسایشی است که پس از بالا آمدن فلیشها به تدریج بستر خود را در آنها پائین برده است. سیلابهای کوه‌پیرگ در اواخر دوران سوم و طول دوران چهارم گلاسی (دشت‌سر) بسیار وسیعی در فلیشهای دوران سوم در سرتاسر طول این کوه به وجود آورده و در آخرین دوره‌های تراکمی دوران چهارم پوششی از آبرفت بر سطح آن نهاده شده است. تمام دشت پایکوهی پیرگ منطبق بر این گلاسی است و ساختمان آن از طریق دره‌هایی که در دره‌های فرسایشی، گاهی دوران چهارم، بر سطح این دشت حفر شده بخوبی نمایان است.

هرچند فرسایش آب بدون شک در این حوضه قدمتی بیش از دوران چهارم دارد اما در مجموعه این حوضه بیش از سه سطح فرسایشی در پایکوهها و سه پادگانه آبرفتی در دره‌ها مشاهده نمی‌شود و احتمالاً سطوح قدیمتر بر اثر فرسایش از بین رفته‌اند. در بستر اصلی به علت قدرت سیلابها آبرفتها درشت‌دانه بوده خاک ریزدانه بین آنها بسیار کم است اما در دره‌های فرعی که بیشتر در داخل زمینهای سست ائوسن گسترش یافته آبرفتهای ریزدانه‌ای به ویژه در محل رسیدن به بستر اصلی به صورت مخروط افکنه‌های کوچک و بزرگ بجای مانده است. وجود همین مخروط افکنه‌های دره‌های فرعی جدیدترین پادگانه‌های دره اصلی امکان ایجاد و توسعه مزارع و باغهای خرماي روستاهای ایرندگان را فراهم ساخته است.

# ایرندگان





به علت غیرقابل نفوذ بودن سنگ بستر رود ایرندگان درحوالی میانرود (ائوسن آذرین) آب رود درسطح ظاهر شده و پراکندگی زمینهای مساعد درشبکه آب امکان پیدایش کشاورزی را فراهم ساخته است. به سمت بالا رود هرچند تراکم آبرفتها در سطح نسبتاً وسیعی گسترده است اما جز از طریق ایجاد چاههای کم عمق دسترسی به آب ممکن نیست و از این رو به دلیل ضعف دانش و تکنیک اهالی به صورت زمین های بایر درآمده است.

بعد از روستای دادکان به سمت مغرب چون سنگهای آذرین سخت بستر زمین شناسی را تشکیل می دهد دره رود به صورت تنگنایی درآمده و همین ویژگی تا الحاق به دره دامن به چشم می خورد. گسترش فلیشهای نسبتاً سست ائوسن در حوالی میان رود امکان توسعه عرضی دره را فراهم ساخته و تراکم آبرفتها به دلیل شیب کم دره همین نواحی استقرار قراء نزدیک به هم و متراکم ایرندگان را فراهم ساخته است.

عمده آبادیهای دره ایرندگان درطول تقریبی دوازده کیلومتر بین ده مارندگان و دادکان (حدود ۴ ده) قرار گرفته است و مرکز ثقل جمعیت بخش ایرندگان که مجموعاً شامل ۶۸ قریه است در دوطرف رود ایرندگان و در طول مسافت یاد شده و در اراضی مزروعی که بیشترین عرض آن در کنار رود حدود ۳۰۰ متر و کمترین آن حدود ۷۰ متر است قرار دارد. از این قرار حدود ۶۰٪ روستاهای ایرندگان درعلیای ظهور رود برسطح (مارندگان) و در طول دره رود متمرکز شده است که بیش از ۸۰٪ جمعیت بخش را دارد. پس از ده دادخان به علت تنگی دره و نبود زمین و خاک مناسب در کنار رود دیگر آبادی وجود ندارد و بالاخره دره همین مسافت کم اراضی مزروعی روستاها به هم پیوسته است مگر آن که در کله پیچهای رود اراضی آبرفتی کنار آن بر اثر فرسایش رود سیلابی (فصل تابستان) که تمام دره را می پوشاند از بین رفته باشد. باز به همین دلیل درخمرود آن جا که آبرفتها بر اثر کاهش سرعت آب به جای مانده اند وسعت اراضی مزروعی بیشتر است (شکل ۱). چون اراضی باید زیرکشت و یا احداث باغ قرار بگیرد ساکن انسانی در حدفاصل پیش کوههای دره

ومنتهالیه اراضی مزروعی بنا گردیده است و بسیاری از مساکن در روی تپه‌های مقدم کوهستان و به صورت متفرق توزیع شده است (شکل ۲).

عمده مساکن ایرندگان ازخشت و گل و سقف مسطح پوشیده از تیرهای چوبی (نخل) و الیاف و شاخ و برگ خرما و حفاظت شده به واسطه کاه گل ساخته شده است. گاهی دیوارهای بنا را از خارج کاه گل می‌کنند ولی اکثر منازل از داخل با کاه گل و به ندرت روکش گچ پوشانده می‌شوند. اغلب هر خانواده یک یا دو اتاق دارد و چند خانواده اطاقهای مربوط به خود را در یک خط و یادو خط متقاطع و مجاور هم می‌سازند و به این ترتیب نوعی ارتباط خانوادگی بین گروههای قوم و خویش نزدیک بهم که قطعاً یادگار زندگی قبیله‌ای گذشته است برقرار می‌شود (شکل ۳). معمولاً در جاهائی که زیر بنا کف محکم و سنگی کوهستان است پی عمیقی حفر نمی‌شود و ارتفاع دیوارهای اطاقها ۲/۵ تا ۳ متر است. هر اطاق یک در دارد و پنجره کمتر بکار می‌رود. درها نیز اغلب از چوب خرما و در خود محل ساخته می‌شوند (شکل ۴).

برای نگهداری حیوانات به ندرت طویله می‌سازند (شکل ۵) و بیشتر در - حفاظهای موقت نی و پوشال نگهداری می‌گردند (شکل ۶). در این اواخر مؤسسات عمومی از قبیل مسجد، مدرسه، شرکت تعاونی، خانه انصاف که با نظارت متخصصین شهری بنا شده از مصالح جدید (آجر، تیر آهن، و...) ساخته شده‌اند (شکل ۷ و ۸). آن گونه که در بعضی از بخشهای مملکت برنامه ریزی شده است در اینجا نیز اساس یک شهرک پایه گذاری گردیده و ساختمانهای اداری آن در زمانی که ما آنجا بودیم تمام شده بود که تنها جای مناسب توقف اردو در محل مذکور بود و در همان موقع به نصب دستگاه مولد برق برای قسمت اعظم ناحیه و در مرکز شهرک مشغول بودند (شکل ۹ و ۱۰).

آب و هوای دره ایرندگان گرم و خشک است و متأسفانه بعلت عدم وجود ایستگاه هواشناسی در محل و نبود آمار جوی بررسی علمی اقلیم آن غیر ممکن است

ولی در این جا پدیده اقلیمی شگرفی وجود دارد که به خاطر اهمیت آن چگونگی را به سازمان هواشناسی کشور گزارش و درخواست احداث ایستگاه هواشناسی نمودم که تا این لحظه از اقدام آنان خبری نیست. عمده باران این دره تابستانی است و این طور به نظر می آید که احتمالاً جریانهای مرطوب موسمی جنوبی که به ندرت در سواحل جنوب شرقی ایران و در فاصله ای دور از این جا موجب بارش می گردد در عبور از این دره به علت اثر کوهستان مرتفع بیرگ موجب ریزش بارانهای تابستانی باشد! آن طور که از گفته بومیان ساکن دره برمی آید در ۳ و ۴ روز تابستان بیش از چهل روز باران دار وجود دارد و تقریباً در تمام فصل تابستان هر روز آسمان تمام یا قسمتی ابری می شود. ریزش باران غالباً با رعد و برق همراه است و به همین علت کوهستان شرقی را که مرتفع ترین و بزرگترین کوه منطقه است (بیرگ بمعنای برق) می نامند.

در اثر بارندگی تابستانی بستر رودخانه پرآب می شود و گاهی تا دوسه روز ارتباط قراء دو طرف رود قطع می گردد. در بعضی جاها عرض بستر رود دائمی از ۳ متر هم بیشتر است که در موقع سیلاب تمام بستر را آب فرا می گیرد و ارتفاع آن در صورت بارش سنگین موقتاً در نقاط کم عرض بستر تا سطح اراضی مزروعی بلند اطراف یعنی تا ۱/۵ متر از کف بستر هم تجاوز می کند. سیل های مکرر تابستانی موجب شستشوی اراضی مزروعی روستاها که همه جا از لب آب شروع می شود می گردد و روستائیان با کشت درختان خرما و ایجاد سدهای خاکی و گیاهی سعی می کنند از خسارت سیلاب جلوگیری کنند ولی به علت ضعف تکنیک معمولاً اقدام آنان بی نتیجه می ماند. دره ایرندگان در زمستان نیز از بارانهای کم و معدود مدیترانه ای که تمام بلوچستان را فرا می گیرد بهره می برد. با توجه به گرمای تابستان و اعتدال هوای زمستانی (به ندرت ممکنست در شبی از زمستان درجه حرارت به صفر سانتیگراد برسد)

دره ایرندگان در قسمت اعظم خود از درختان گز و بوته‌های داز مستور است و اراضی مزروعی آن در طول دوازده کیلومتر یاد شده در تمام ایام سال زیر کشت است و مزارع زیر کشت چرخشی سبزیها و محصولات باغی، علوفه، برنج، گندم و باغ خرما (نخلستان) قرار می‌گیرند. درختان میوه گرمسیری و مرکبات نیز کم و بیش پیدا می‌شود ولی توجه چندانی به انواع مذکور ندارند. دره ایرندگان همان گونه که خاص مناطق خشک و یا بیابانی است به صورت واحه‌ای در اراضی لم یزرع و بی‌آب و کم گیاه اطراف خود نمائی می‌کند و بیشتر آب دائمی رود که از دهمارندگان در سطح ظاهر می‌گردد تا روستای دادکان حیات و فعالیت انسانی را پی‌ریزی می‌کند.

### مردم و زندگی:

مردم ایرندگان از نژاد سفید و شعبه هند و اروپائی و مرکب از اقوام بلوچ می‌باشند. از ابتدا دو قبیله بزرگ ایرندگانی و میربلوچ زئی<sup>۱</sup> ساکنان اصلی دره ایرندگان را تشکیل می‌داده‌اند و همان گونه که در انشعاب طوایف فرعی از قبایل اصلی معمول است با افزایش جمعیت و تجزیه قدرت ایلی از قبیله ایرندگانی طوایف زهری زئی و ملازئی و حیدرزئی و از قبیله میربلوچ زئی طوایف جمشیدزئی، موسی زئی، برهان زئی، شهدادزئی منشعب گردیده‌اند بدین معنی که فردی با نفوذ و اقوام درجه یک نزدیک او از قبیله اصلی جدا شده تشکیل هسته اولیه طایفه جدید را داده و اولادان آنان پس از گسترش کافی طایفه امروزی را به جای نهاده‌اند. از اوایل دوره قاجاریه معدودی از مردم طوایف دیگر بلوچ که در حال حاضر اقلیت‌ها را تشکیل می‌دهند از نواحی خاش، ایرانشهر، سراوان به این دره مهاجرت کرده‌اند و جمعی از آنان نیز با نه‌طایفه اصلی بستگی و پیوستگی خانوادگی یافته‌اند. مردم مذکور

---

۱- زئی در لهجه بلوچی بمعنای زائی و زاده است و وقتی می‌گوئیم میربلوچ زئی یعنی زادگان و یا اولادان میربلوچ یا به عبارت دیگر طایفه‌ای که جد اعلای آنان میربلوچ نامی بوده است.



از طوایف دامنی، شاهک زئی، عبدال زئی، بوتو، سندک زئی، موسی زئی، سنجر زئی، عمر زئی، شهرسان زئی، باسری، جمال زئی و گمشاد زئی هستند.

از ویژگی تفاوت بین نه طایفه اصلی که باید آنان را بومیان دره ایرندگان نامید و مردمی که از طوایف دیگر به این سامان مهاجرت کرده اند تفاوت مالکیت است یعنی ایرندگانیها و میربلوچ زئیها و طوایف منشعب شده از این دو مالک اراضی مزروعی و باغها و نخلستانها هستند و دیگران به زحمت تملکی یافته اند و اصولاً مردم سندک زئی، عبدال زئی، دامنی، و بوتو بهیچوجه زمین مزروعی و یا باغ ندارند و عموماً دامدار و چادر نشین هستند. شاید تک و توك از اراضی مزرعه ها نه قراء سهم بسیار ناچیزی داشته باشند. بعضی از مردم این چهار طایفه هنوز کشاورزی را کاری حقیر می شمردند. افراد بقیه طوایف بیشتر به عنوان مزدور و کارگر کشاورزی یا در مشاغل و حرف جدید در روستاهای ایرندگان به کار اشتغال دارند. به عبارت دیگر منبع اقتصادی مزرعه و باغ از آن بومیان ایرندگان و میربلوچ زئی است.

لهجه تمام طوایف این ناحیه بلوچی است که شامل لغات و دستور زبان فارسی قدیمی است و باز خلوص زبان طوایف مهاجر به ناحیه و چادر نشین های بیشتر از لهجه ایرندگانی است. برای آن که این تفاوت روشن گردد مقایسه ای از چند کلمه ایرندگانی و بلوچهای چادر نشین در زیر آورده می شود.

دین تمام ساکنین دره ایرندگان اسلام و پیرو مذهب حنفی هستند. ایمان به خداوند و اعتقادات دینی در نظام اجتماعی این مردم و علاقه آنان به آب و خاک وطن نقش مؤثری دارد و وحدت عقیده و ایران دوستی به شدت بر آنان حاکم است.

---

۱- مزرعه جائی است که زمین زراعی دارد ولی خانه مسکونی ندارد. بعضی از آنها در این اواخر آباد شده است و از این رو ممکنست چادر نشینان در این قبیل مزرعه ها باغ و زراعتی داشته باشند.

## نمونه لهجه‌ها

معنی به فارسی نو	لهجه پلاس نشین (چادر نشین)	لهجه ایرند گانی
خسته نباشی	Hastag mabē هستگ مبی	Hasteh mabē هسته مبی
مانده نباشی	Mantag mabē منتگ مبی	Dammeh mabarē دمه مبری
داماد	Zānās ذاماس	Zāmāt ذامات
رفت	Shōt شت	Rapt رپت
چاه	Cahn کهن	Cahn کهن
چاهیا - قنات	Kahnā کهنآ	Kahnā کهنآ
خوردن	Vārtagush وارتگش	Vārtēn وارتن
خواهر	Gōār گوآر	Gōārک گوآرک

پاره‌ای از آداب و رسوم ایرانی با خلوص خاص خود در بین مردم همبستگی ایجاد کرده هنر و فرهنگ ایرانی در همه مظاهر زندگی آنان مشاهده می‌شود. حتی لباسهای بومی قدمت خود را از نظر شکل تا حدی مشابه دوره اشکانیان و ساسانیان نشان می‌دهد.

جمعیت بخش ایرندگان در سال ۱۳۵۶ برابر آمار بدست آمده از سازمان ریشه - کنی مالاریا که صحیح ترین رقم می‌تواند باشد ۵۲۶۲ نفر است که در شصت و هشت ده توزیع گردیده است. برابر آمار رسمی مرکز سرشماری ایران در سال ۱۳۴۵ جمعیت ایرندگان ۲۹۰۳ نفر بوده که درسی و شش ده زندگی می‌کردند.

جدول زیر توزیع جمعیت را بر حسب دهه، خانوار و نفر در دوزمان یاد شده

نشان می دهد:

جمعیت ایرندگان در سال ۱۳۴۵ \*

نام دهه	خانوار	جمعیت	نام دهه	خانوار	جمعیت
بومسک	۱	۱۰	هیتکر	۲۳	۸۲
دادکان	۹۲	۴۳۰	دهنه	۹	۵۲
هشیک	۴۰	۱۷۷	دارسان	۲۶	۱۱۵
پروم	۱۱	۶۸	کم نیک	۱۱	۴۸
گینز	۴۶	۲۳۴	پدان	۱۲	۵۰
واردان	۲۳	۱۱۹	زیرکیک	۱۳	۵۴
جنگلک	۱۳	۵۲	گینزی زیرک *	۲۰	۸۳
جنگل موکان	۱۷	۶۶	مارندگان	۸۶	۳۹۲
جنگل	۱۲	۴۳	رندک	۵	۲۹
پوسار	۷	۴۲	نیلگان	۱۴	۶۴
کاشن	۱۰	۵۴	سرخ گزی	۱۱	۵۴
ده قلعه	۳۱	۱۱۵	ده رئیس	۶	۲۵
کونورک	۱۱	۵۲	قنات میرقلندر	۹	۳۳
خدگان	۶	۳۴	رحمن آباد	۳	۱۹
میرخر	۲۲	۱۰۲	سرخ دگان	۳	۲۱
کوه پاسان	۱۸	۵۳	اسپه	۴	۲۳
شاواتک	۷	۳۲	زیروکدان	۵	۲۴
بالاقلعه	۱۴	۴۴	شهرک	۲	۸

جمع کل ۳۶ دهه ۶۴۳ خانوار ۲۹۰۳ نفر

\* سی و شش ده سال ۱۳۴۵ عیناً با سال ۱۳۵۶ از لحاظ جمعیت مقایسه شده اند.

\* تلفظ بعضی از اساسی غلط است برای دریافت نام صحیح به آمار ۱۳۵۶ مراجعه فرمائید

## جمعیت ایرندگان در سالهای ۱۳۵۶\*

جمعیت	خانوار	نام ده
۳۰	۶	Darēn درین
۵۸	۹	Gūmesk گوسسک
۵۱۵	۱۰۵	Dādakān دادکان
۱۹۵	۴۳	Hashēk هشیک
۵۷	۱۱	Parūm پروم
۲۵۲	۵۶	Genz گنز
۱۲۵	۲۵	Vāredān واردان
۳۷	۹	Jangalōk جنگلک
۷۸	۱۳	Mōkān جنگل موکان
۷۹	۱۴	جنگل
۷۳	۱۴	Pūssār پوسار
۴۴	۱۱	Kāshen کاشن
۱۲۳	۲۶	Deh Ghal-eh ده قاعه
۲۳	۶	Kuh nūrک کوه نورک
۳۱	۷	Hadgān حدگان
۱۵۹	۳۳	Mēr khar میرخر
۱۵۴	۳۸	Kuh pāsān کوه پاسان
۱۷	۶	Shāvātk شاواتک
۶۹	۱۸	Kamnēk کم نیک
۴۵	۱۵	Zērkek زیر کیک
۷۰	۲۵	Guenzrēk گنزریک
۲۶۰	۷۵	Mārandegān مارندگان
۴۴۵	۱۲۰	Landēn لندین

۴۵	۱۲	Rendök رندک
۳۰	۶	Karestān کرستان
۲۰	۵	Bēbe بی به
۶۵	۲۰	Dārnān دارنان
۵۰	۱۵	Gōmn گمن
۵۰	۱۱	— محمودآباد
۱۴	۳	Gūrband Pōorchēng گوربندپورچینگ
۹۷	۱۶	Kashēkān کشیکان
۲۰	۵	Chātūk قلعہ چاتوک
۲۸	۵	Tōmp تمپ
۱۴۵	۲۵	Nēlagān نیلگان
۷۰	۲۳	Sōrkhgazē سرخ گزی
۵۰	۲۰	Deh re-ēs ده رئیس
۷۶	۲۳	Hētgar هیتگر
۷۵	۱۵	Dahane دهنه
۱۱۵	۲۷	Dārassān دارسان
۲۵	۱۰	Kahn Mēr ghalandar کهن سیرقلندر
۱۹	۳	— رحمن آباد
۷۰	۱۲	Nābahrē نابهری
۱۲	۳	Sūrāg سورگ
۲۳	۷	Sōrkh Dagāl سرخ دگال
۸۳	۱۷	Chaguerd چگرد
۲۴	۶	Garūk گروک
۳۵	۷	Bek بک
۲۴	۶	Kōnār کنار

۳۵	۷	بهاء‌الدینی —
۱۵۴	۳۸	بالقلعه —
۳۶	۹	Rōmōk رسوک
۴۴	۱۲	Pōorchenguē پورچنگی
۴۰	۸	Kabmōkē کب‌موکی
۸۲	۱۸	Hashēk (پائین) هشیک
۴۵	۹	Tal-e-nēlak تلی‌نیلک
۲۰	۵	Aspeh اسپه
۲۵	۵	Anārān اناران
۳۵	۷	Gōalestan گوالستان
۸۰	۲۴	Pālēsān پالیزان
۵۰	۱۸	Zērōkdān زیرکدان
۵۰	۱۰	Kalegarmōk کله‌گرمک
۳۵	۷	Nargān نرگان
۵۱	۸	Gōātāmak گواتامک
۷۴	۱۸	Kale Bandōvān کله‌بندوان
۴۶	۸	Gāvē گاوی
۷۵	۱۵	Vātk واتک
۲۵	۵	Gat گت‌رئیس
۶۲	۱۸	دره‌سوراخ —

۵۲۶۲ نفر

۱۲۳۷ خانوار

جمع کل ۶۸ ده

به طوری که ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۴۵ میانگین خانوار ۴/۵۲ نفر گزارش شده است در حالی که در سال ۱۳۵۶ میانگین خانوار به ۴/۲۵ نفر تقلیل یافته است. ارقام جمعیت سال ۴۵ و ۵۶ جز در مورد میانگین خانوار نباید مقایسه شود زیرا تعداد قراء تابع بخش ایرندگان در دو گزارش یکسان نیست و مسلماً در سرشماری سال ۱۳۴۵ این ناحیه کم‌شماری شدیدی وجود داشته است ولی از مقایسه جمعیت دهاتی که در هر دو سرشماری (۱۳۴۵ مرکز آمار ایران و ۱۳۵۶

\* - مأخذ: گزارش اداره ریشه‌کنی مالاریا (سال ۱۳۵۶).

ریشه کنی مالاریا) به حساب آمده‌اند چنین استنباط می‌شود که اولاً تعداد خانوار در سال اخیر ۷۸۲ و بنابراین ۱۳۹ خانوار بر جمعیت اضافه شده است یعنی در پایان یازده سال تقریباً افزایشی معادل ۲۲٪ و نیز ۳۸۱ نفر بر تعداد جمعیت افزوده شده است. نکته جالب آن است اگر جمعیت اضافه شده را بر تعداد خانوار اضافه شده تقسیم کنیم میانگین آن معادل ۲/۸ نفر خانوار درمی‌آید که در مقایسه با میانگین کل خانوار نفر در سال ۱۳۵۶ که ۴/۲۰ نفر است تناقض بارزی مشاهده می‌گردد. علت این تفاوت بخوبی روشن نیست ولی احتمال می‌رود که یا از خانوارها جوانانی به سایر نقاط مهاجرت کرده‌اند و یا خانوارهای جدید بیشتر از زوجین جوان که تازه تشکیل خانواده داده‌اند ترکیب می‌شود و در هر صورت درون کوچی به صورت خانواری در این ایام هیچگاه وجود نداشته است. در طول یازده سال بطور کلی ۱۹٪ به جمعیت اضافه شده است که در مقایسه با میانگین کشور کاهش نشان می‌دهد که باز - می‌توان دلیل بر سرگرمی و میرکودکان و بیرون کوچی جوانان از قراء باشد\*.

جمعیت ایرندگان عموماً به کار کشاورزی (کشت و زرع و دامداری) اشتغال دارند. خانواده‌ها برای مصارف خانوادگی از الیاف خرما حصیر و سبد می‌بافند و نیز نوعی قلاب‌دوزی بر روی لباس زنان هنردستی بسیار ظریف زنان بلوچ این ناحیه را تشکیل می‌دهد. در این جا مرکزی برای صنایع دستی زنان به وجود آمده است که مورد حمایت مقامات مرکزی کشور است. در بعضی از روستاها تا ۷۵٪ جمعیت مالک زمین و باغ است و تقریباً ۱۰٪ جمعیت کارگر کشاورزی ۱٪ پيله‌ور و ۱٪ چوپان و اغلب تا ۵٪ جمعیت هرده باگله به مراتع تابستانی که زیاد از دهات فاصله ندارند جابجا می‌شوند. می‌توان گفت ۹۰٪ جمعیت ایرندگان از طریق اقتصاد روستائی زندگی می‌کنند. کار دروغلات متقابلاً بین خود کشاورزان انجام می‌گیرد و مزدی پرداخت نمی‌شود اما هزینه کردن خرما (خرماچینی) به عهده

---

\* سی‌وشش ده سال ۱۳۴۵ عیناً با سال ۱۳۵۶ از لحاظ جمعیت مقایسه شده‌اند.

مالک نخل است و بعضی ها  $\frac{1}{3}$  محصول هرنخل را بابت مزد به کارگر کشاورزی و یا هرکس که حاضر شود خرما را چیده و بسته بندی کند می دهند. مزد چوپان برای چراندن یک گوسفند و یا بز در سال حدود ۳۶ ریال که  $\frac{1}{3}$  نقدی و بقیه به صورت مواد مصرفی کشاورزی (گندم، برنج، باقلا، خرما) و حتی لباس کفش، پتو، و نظایر آن پرداخت می گردد. چوپان اضافه بر این مزد مقرر از بزغاله و بره متولد شده در گله در هر سال  $\frac{1}{3}$  سهم می برد.

از نظر سازمانهای اجتماعی خانه انصاف، انجمن ده، شرکت تعاونی تاحدی موجب همکاری و تعاون جامعه روستائی این محل است. سه خانه انصاف در دهات دادکان، ده قلعه، کهنوگ امور قضائی بخش را می گرداند و سه انجمن ده در ده - قلعه، دادکان، کهنوگ امور مربوط را رسیدگی می کند. کمتر از نیمی از کودکان و نوجوانان لازم التعلیم به مدرسه می روند و امکانات تحصیل پس از ۵ ساله ابتدائی چندان فراهم نیست. از نظر مراقبت های بهداشتی و پزشکی یک درمانگاه در ده قلعه وجود دارد که به مسئولیت یک پزشک خارجی از اهالی بنگلادش و ۲ نفر دیپلم سپاه بهداشت اداره می شود. آن گونه که پزشک مذکور اظهار می داشت کودکان از سوء تغذیه رنج می برند و بیماریهای گوارشی و عفونی در نتیجه عدم بهداشت و مالاریا بیماریهای غالب را تشکیل می دهند. در بین سنین ۸-۲۵ غلبه با بیماریهای - رماتیسمی است. به علت کمبود ویتامین پیرچشمی زیاد است. از عوارض جالب توجه آن است که از سن ۱۶ سالگی به نسبت تقریباً زیاد ناراحتی کلیه فراوان است. درمانگاه و پزشک محله خود را موظف به اعمال خدمات بهداشتی نمی دانند و حتی کار واکسیناسیون به واسطه تیمهای سیار که از مرکز استان (زاهدان) به این ناحیه (گاهی دوماه یکبار) می آیند انجام می گیرد. ضمناً یک نفر روستا ماما که تعلیمات لازم را در مرکز استان دیده است بر امور تنظیم خانواده و زایمان نظارت می کند ولی به طور کلی خدمات وی از نظر عدم اقبال زنان روستائی چندان مؤثر



و مفید نیست. آن طور که وی اظهار می‌داشت ۰.۵٪ بچه‌های متولد شده قبل از دوسالگی می‌میرند (۱).

کاشت و داشت و برداشت محصولات کشاورزی:

منبع عمده آب کشاورزی و آشامیدنی این بخش رودایرندگان و معدودی چاه و قنات است. رود زاینده و مشاع است و در طول تقریبی ۱۲ کیلومتر دهات را با انشعاب جوی از جای بلندتر رود و انتقال به اراضی کنار رود و پائین دست آبیاری می‌کند (شکل ۱۱). چون به طور کلی وسعت اراضی مزروعی کم و زه آب به نحوی به رودخانه باز می‌گردد هیچ زمینی بی‌آب نمی‌ماند. از بالادست رود از کناره غربی پنج نهر و از ساحل شرقی هفت نهر منشعب می‌گردد. نهرهای فرعی غربی عبارتند از آگار، پیشدر، کبودگ، بیم‌پیش و دنی کوه و نهرهای شرقی عبارتند از جوگ (جوی) هورتین، جوگ زرین، جوگ میان، سم‌پیرگ، هودر، نیمگان و درین. عرض نهرها و مقدار آب آنها یکسان نیست و در مجموع آب هفت جوی شرقی بیشتر بوده و بالتبع وسعت زمینهای مزروعی و تعداد آبادی هم در ساحل شرقی بیشتر است. اگر آب رودخانه در تمام سال کافی باشد بهره‌کشی از رودخانه با مانع و اشکالی روبرو نیست ولی در موقع برنجکاری اگر آب و بارندگی کافی نباشد تقسیم آب رعایت می‌شود و براساس ۱۲ شبانه‌روز یکبار هر کس بقدر سهم خود آب می‌برد که مبنای تقسیم مقدار زمین است. مثلاً یک نفر ممکنست دوشبانه‌روز و یک نفر دیگر ۶ ساعت حق آب داشته باشد. بایک شبانه‌روز می‌توان مزرعه برنجی را که ۳ من بمپوری<sup>۲</sup> تخمکار دارد (یک من بمپوری تخمکار معادل شالیزاری است به ابعاد ۱۲ × ۱۲ متر) آبیاری کرد. در بعضی از دهات چاه نیمه عمیق زده‌اند و معمولاً آبدهی چاهها چهار اینچی است و عمق چاه حدود ۱ متر است ولی آب چاهها بیشتر به مصرف شرب اهالی می‌رسد. بعضی از دهات لوله‌کشی شده‌اند و در هر ده شیرهای عمومی آب نصب شده‌است. فی‌المثل در ده دادکان ۱۲ شیر آب عمومی وجود دارد. در دادکان دوچاه

۱- سال ۱۳۵۶، مصاحبه با پزشک مسئول درمانگاه و تأیید او

۲- یک من بمپوری معادل ۱/۲۰۰ کیلوگرم است.

و در دهات هشیک، واردان، گنز، پوسار (شهرک)، دهقلعه، دارسان و مارندگان هر کدام یک چاه حفر کرده‌اند. باید دانست چاهها در فصل تابستان کم‌آب شده اغلب خشک می‌شوند و چاهها توسط دولت حفر گردیده است. قنات‌ها بیشتر در مجموعه قراء کهنوگ که رودخانه کهنوگ نسبت به زمینهای مزروعی گوداست و کم جمعیت هم هستند احداث گردیده‌اند. از جمله در آبادیهای سرخ دگال، کلا، سورگ، ده رئیس، قلعه تاگر، نابهری، میرقلندر، تمپ، سرزدان، قادر آباد و سرخ گزی و سیاه‌درنگ.

عمده محصولات کشاورزی ایرندگان برنج، گندم، یونجه و خرما است مقداری نیز باقلا، سبزی و بنشن کشت می‌شود و تقریباً جز خرما کلیه تولیدات به مصرف اهالی می‌رسد و تازه تکافوی نیاز مردم نبوده و مقداری گندم و مواد کشاورزی دیگر وارد می‌کنند و به مصرف می‌رسانند.

با آن که سعی می‌شود به علت وسعت کم و کمبود اراضی مزروعی از مزارع موجود حداکثر استفاده بعمل آید و زمین آزاد نماند معهدا به علت فقدان تکنیک و کمبود سرمایه مجبورند مزرعه برنج را به آیش بگذارند. از طرفی زمین را از ترس نفوذ آفت کرم ساقه‌خوار برنج پیاپی زیر کشت آن نمی‌برند. برای آن که موضوع بهتر روشن شود طرحی از یک مزرعه به عنوان نمونه در زیر ارائه می‌گردد.

باقلا سبز است (الف)	بقایای بوته برنج (ج)
گندم سبز است (ب)	عدس سبز است (د)

الف- زمین باقلا در اول خردادماه آزاد و بلافاصله زیر کشت نشای برنج

می‌رود سپس در اول آبانماه آزاد می‌شود و در تمام این ماه آزاد است و اول آذر ماه دوباره زیرکشت باقلا می‌رود.

ب- اول خرداد از گندم آزاد می‌شود زمین را شخم می‌کنند و دو تا سه هفته می‌ماند بعد برنج می‌کارند و برنج را در آخر شهریور برمی‌دارند زمین را شخم زده در اول آبان باقلا یا عدس یا گندم می‌کارند.

ج- آزاد گذاشته شده که تقویت شود و در فصل برنجکاری برنج می‌کارند.

د- مثل زمین باقلا عمل می‌شود (شکل ۱۲).

برنجی که در این ناحیه به دست می‌آید از نوع گرده دانه سفت است و کشت آن از طریق ایجاد خزانه و نشاکاری انجام می‌گیرد. زمین خزانه را اوایل فروردینماه با گاوچفت یا کج بیل به عمق ۲۰ سانتیمتر شخم می‌کنند (در یک روز حدود ۲ من بمپوری شخم زده می‌شود). بعد زمین را با آبیاری زیاد به صورت گل درمی‌آورند آنگاه بوته‌های اسفند را روی زمین ریخته با پایزر گل می‌کنند در حدی که بوته‌های اسفند پنهان شوند سپس زمین را شیار کرده بذر می‌پاشند. برای انتخاب بذر خوب برنج را در آب ریخته و پوکهارا جدا کرده دور می‌ریزند. پس از پنجاه روز بوته‌های برنج را در آورده نشا می‌کنند.

زمینی را که زیر کشت برنج می‌گیرند اگر قبلاً گندسزار یا آزاد بوده در اول خرداد به عمق ۲۰ سانتیمتر شخم می‌کنند و آنرا با آبیاری زیاد گلی کرده کود طبیعی یا شیمیائی می‌دهند. سپس زمین را صاف کرده کرت بندی می‌کنند (کرت بزرگ ۴ × ۱ متر و کرت کوچک ۱ × ۲ متر). بوته‌های برنج را به فاصله یک و یک و یک در - یک و یک می‌کارند و تا موقع دانه بستن، زمین باید همیشه آبدار باشد و حتی تا زرد شدن و رسیدن دانه‌ها باید مزرعه خیس بماند. برنج را تا اواخر شهریور در می‌کنند. کود طبیعی پشکل گوسفند و بز است و اگر فاصله بوته‌های برنج از آن چه گفته شد کمتر باشد محصول کمتری می‌دهد.

به طور متوسط یک من بمپوری سی من بمپوری شلتوک می‌دهد که از آن بیست

من برنج سفید به دست می‌آید. این نوع برنج گرده‌را به لهجه محلی (گنگ) می‌نامند. محصول برنج سفید این دره را می‌توان حداکثر ۲۰ تن تخمین زد. کشت گندم در این دره مطلقاً از طریق آبیاری انجام می‌گیرد. در اوایل پائیز زمین سابق برنجکاری یا زمین دیگری را که آماده باشد به عمق ۲۰ سانتیمتر شخم می‌کنند و اگر زمین خیس باشد دوسه روز آنرا رها کرده سپس شیار می‌کنند و به ابعاد ۶×۱۲ یا ۶×۶ متر کرت‌بندی می‌نمایند. در هر کرت کوچک حدود سیصد گرم بذر می‌پاشند. طرز آبیاری چنان است که فاصله آب اول یکماه دوم ۲ روز و از آن پس تا موقع بستن دانه هر ۲ روز یکبار آب می‌دهند و وقتی گندم زرد شد آب قطع می‌شود. گندم در اواخر اردیبهشت و یا اوایل خرداد درومی‌شود و به طور متوسط برداشت محصول در سالهای خوب ده‌به یک و در سالهای نامساعد پنج به یک است.

در دهات کهنوگ که جزو بخش ایرندگان است ولی در دره رودخانه کهنوگ وتیغ آب‌مستقر هستند به عبارت دیگر در قراء سرخ‌دگال - کلا - سورگ - ده رئیس - قلعه تاگر - نابهری - میرقلندر - سیه‌پردگ - تمپ - سرزدان - قادرآباد هرآبادی یک قنات دارد و برخلاف دره ایرندگان کشت اصلی مردم گندمکاری است و به ترتیب هرده ۳۰۰ - ۳۰۰ - ۲۵۰ - ۲۰۰ - ۳۰۰ - ۲۰۰ - ۲۰۰ - ۱۵۰ - ۲۰۰ - ۱۰۰ - ۱۰۰ من بمپوری تخمکار دارند و با توجه به آنچه در باره وسعت تخمکاری در بالا گفته شد وسعت مزارع آبادیهای کهنوگ روشن می‌شود. در این قراء به علت بادهای دائمی درختان نخل بسیار معدودند و فقط شبانی و دامداری مکمل اقتصاد روستائی آنان است.

خرما مهمترین محصول کشاورزی بازرگانی بخش ایرندگان است زیرا برنج و گندم و تمام محصولات کشاورزی دیگر بهیچوجه مازاد بر مصرف ندارد و فقط بمنظور تأمین مواد غذایی مورد نیاز بومیان می‌باشد. سالانه بیش از یکصدتن

در وقت جوانی در  
داخلی خمر و باغها  
از آنجا که سابق  
طعمه

دولت بزرگ



شکل ۱ - وسعت باغها و مزارع در داخل خمرود بیشتر است . به شرف رودخانه در

کله رود ارتفاعی درختان خمرای باغهای سابق به خوبی استنباط می شود .





شکل ۲ - نمونه مساکن واقع در دامنه مرتفع . محل نگهداری گوسفند و بز ، سنگی و کپری-

در ایست جایگاه مشکبای آب ، ظروف غذا ، آویزان کردن سبدهای خرما

در جلوی اطاقها مشاهده می شود .







شکل ۳ - دودخانه‌ها و قوم و خویش در این اطرافهای روستای زندگی می‌کنند





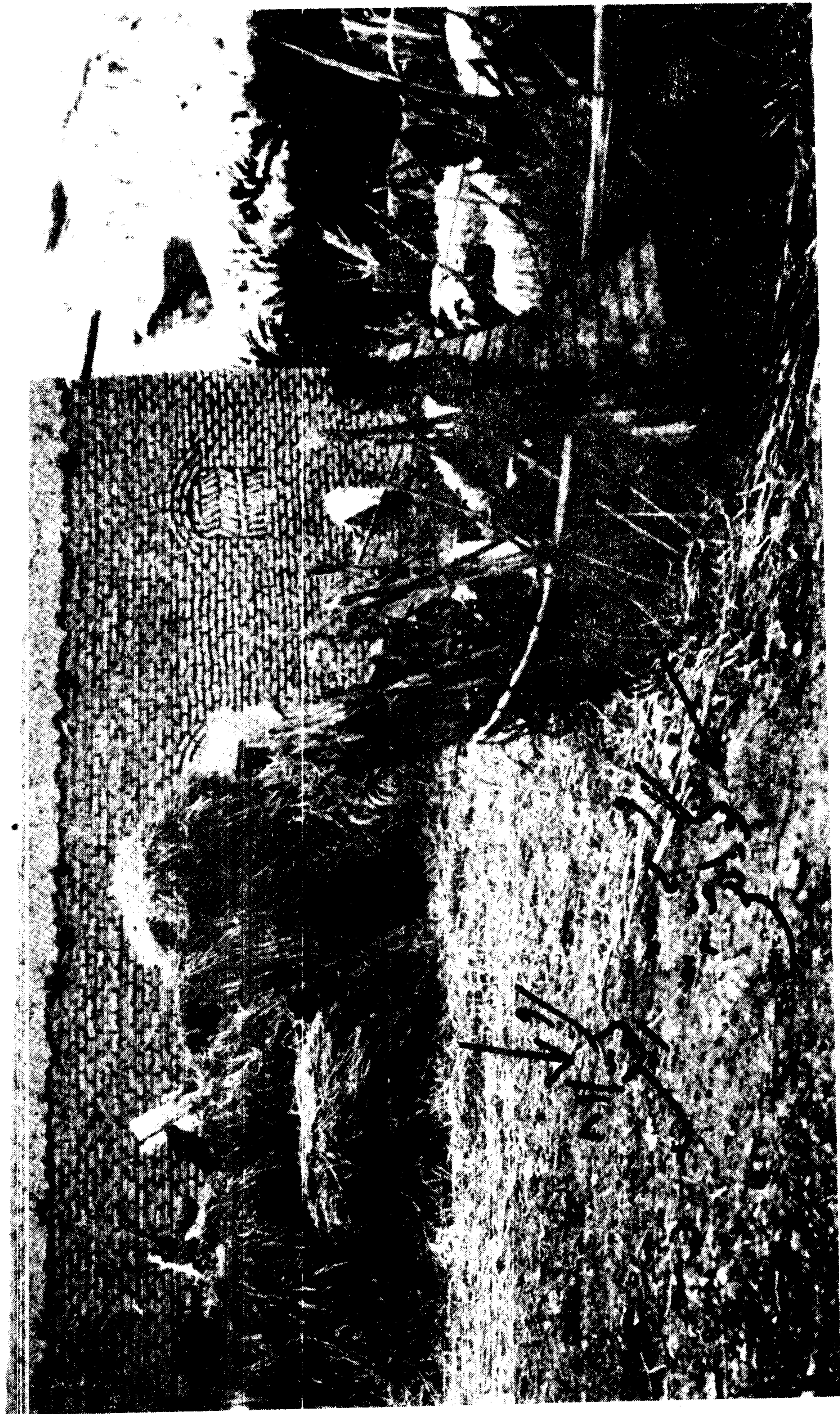
شکل ۴ - در اطاق ساخته شده از چوب خرماتوسه نجاران محلی





شکل ه - طویل ساخته شده از خشت خام و سقف چوس به نام محلی ( کلنگ )



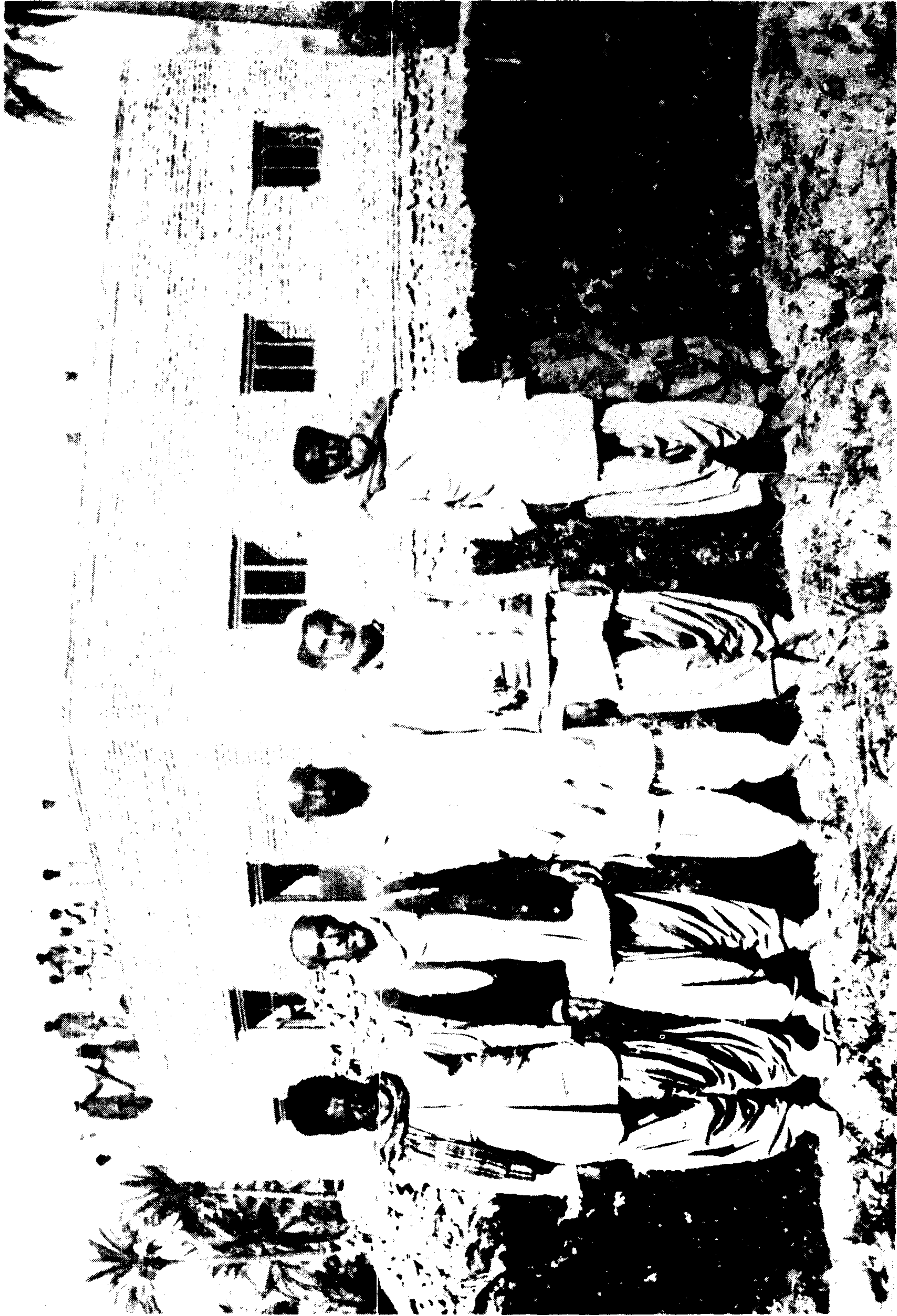


شکل ۶ - د ونوع محل نگهداری گوسفندان یکی رویار و تابستانی به نام محلی ( کواش )

و دیگری زمستانی و پوشیده از گلشن برنج به نام محلی ( کتنگ )

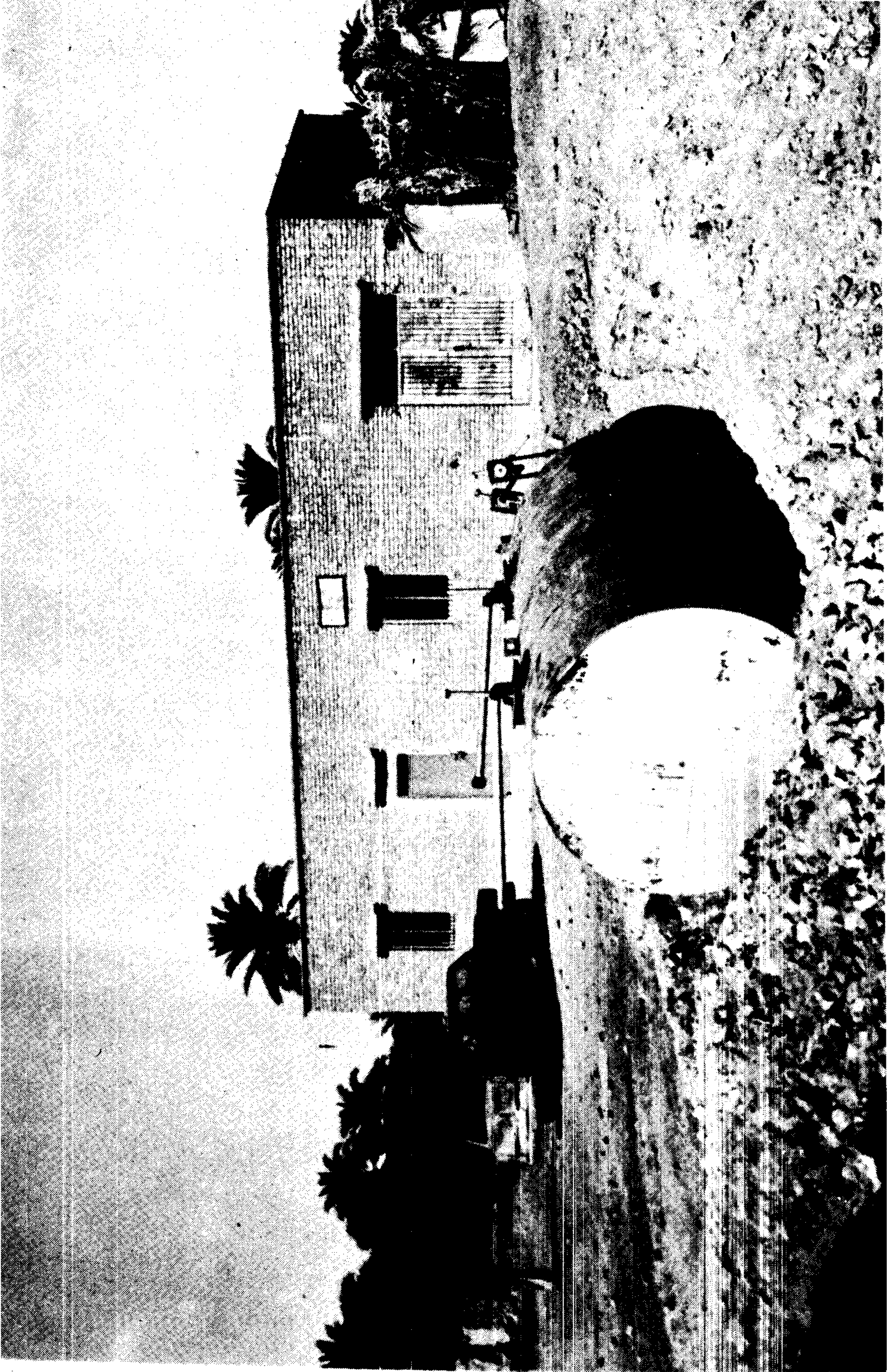






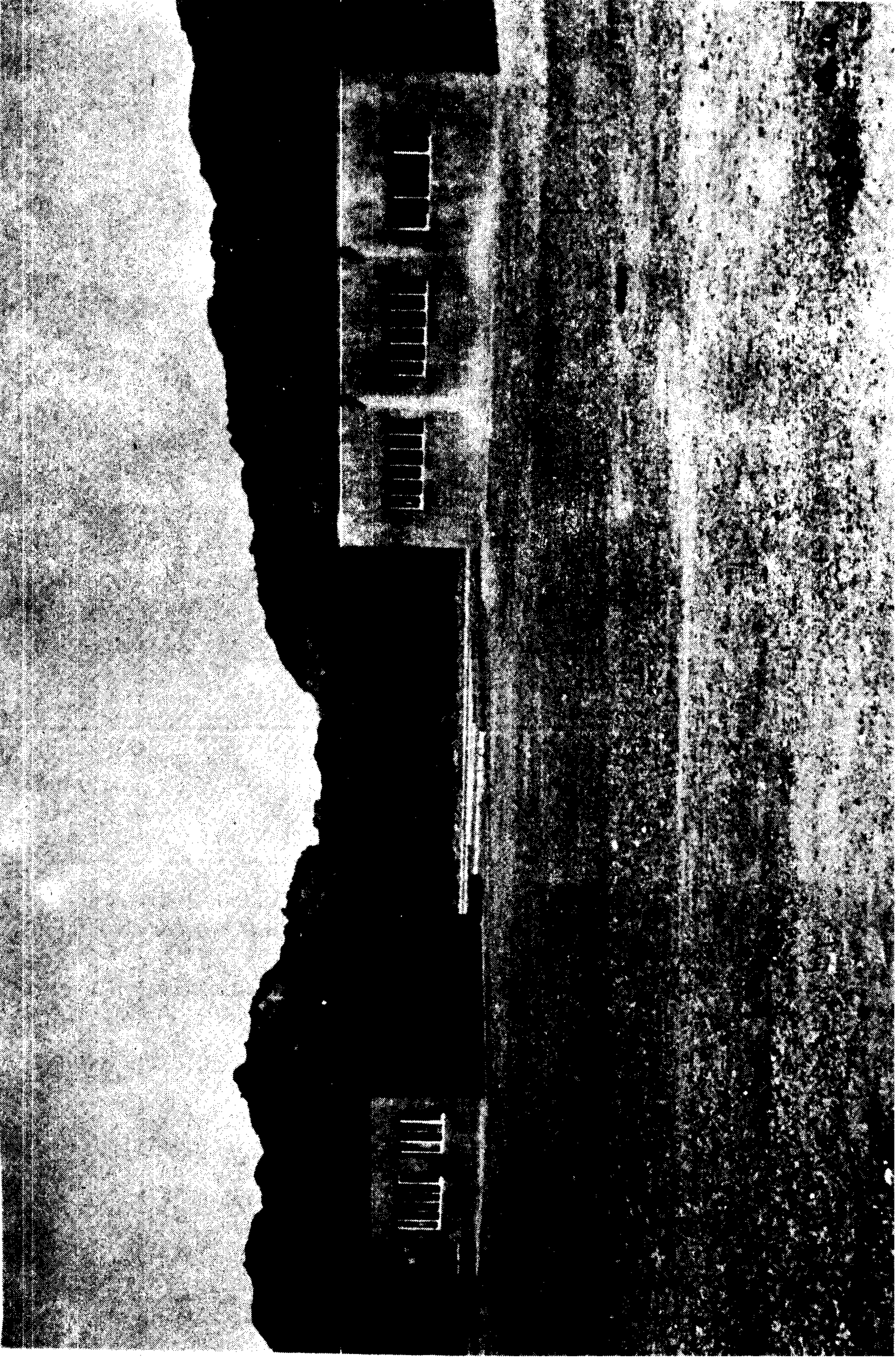
شکل ۷ - مسجد رده دارکان از اجرو آهن و بی سنگی





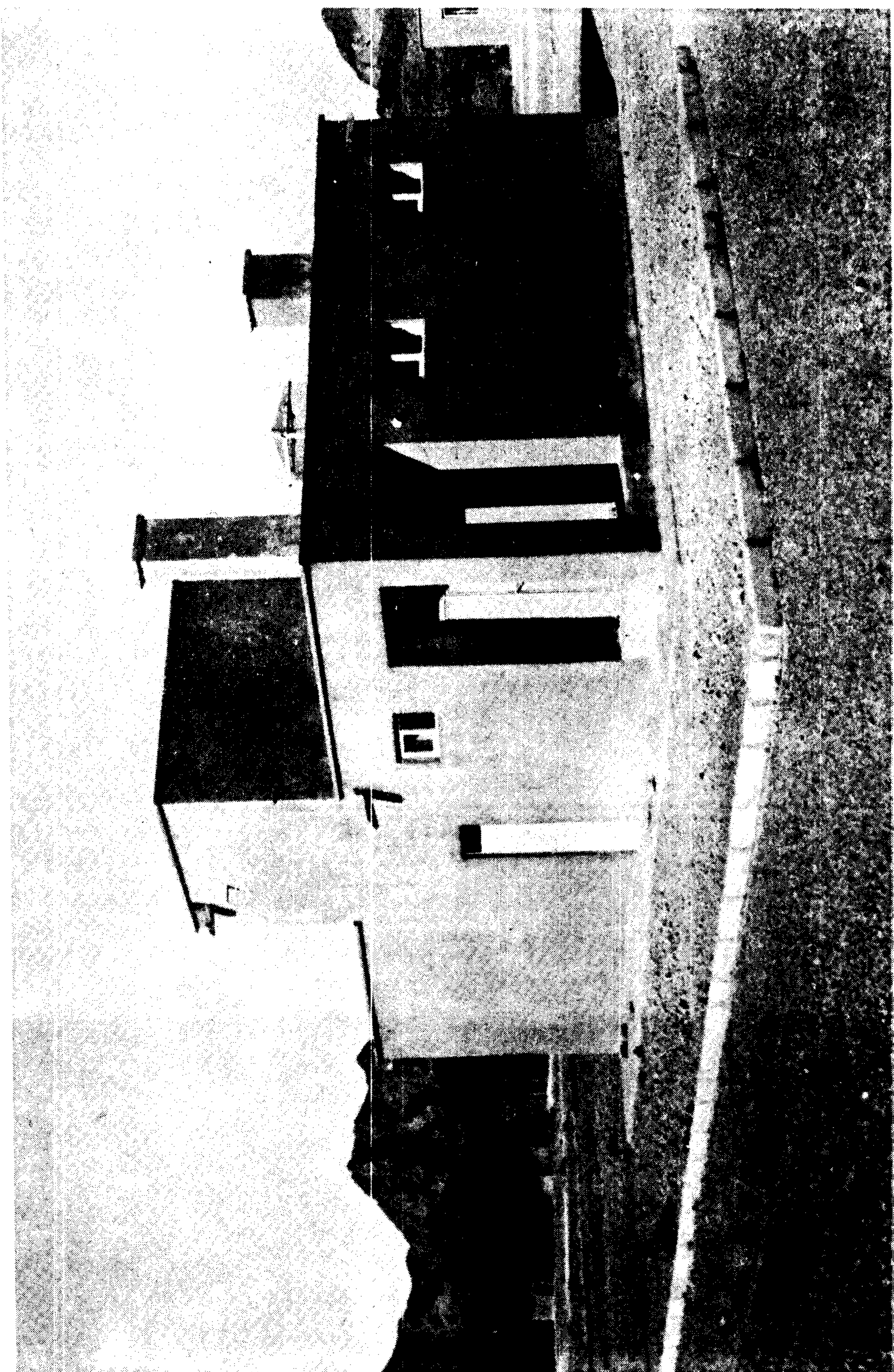
شکل ۸ - ساختمان شرکت تماوتی و منبع نفت - ( د ه ظمه )





شکل ۹ - دوساختمان از نو شهرک در دست ساختخان - ( پوسار )





شکل ۱۰ - ساختمان حمام شهرک







شکل ۱ - نمونه ای از جویهای انشعابی





شکل ۱۲ - نمونه مزارع : باقلا ، کاهن ، بازمانده شالیزار





شکل ۱۳ - پهلہ واران بلوچ از اہالیں بیوگ





شکل ۱۴ - نمونه دیگری از کان شرکت تعاونی





خرما به صورت مازاد بر مصرف بومیان از ایرندگان صادر می‌شود. باید توجه داشت که مردم سایر نواحی مثلاً مردم خاش، دامن دارای نخل یا نخلهائی در دره ایرندگان هستند و درختان خرما منحصراً در تملک اهالی ایرندگان نیست. گرچه نسبت نخل مالکین غیربومی حدود ۱٪ بومیان است ولی در فصل خرماچینی تعداد زیادی از مردم اطراف برای کار و جمع‌آوری محصول در این محل تجمع می‌کنند و بنابراین یک مصرف خارجی هم در ناحیه وجود دارد. عمده غذای مردم ایرندگان خرما و برنج است و از این قرار محصول خرما قسمت عمده غذای چند - هزار نفر ساکنین محل را فراهم می‌کند.

تنها در ده دادکان با ۱۵ نفر جمعیت ۶۰۰۰ نخل خرما وجود دارد و در تمام قراء هر جا که آب سوار شود درختان خرما یافت می‌شوند. درختان نخل به صورت خط مستقیم در اطراف مزارع برنج و سایر محصولات کشاورزی کاشته شده‌اند یعنی نخلستان هم باغ خرما است و همه مزرعه سایر محصولات کشاورزی. طرز تکثیر درختان خرما چنان است که پاجوش درخت را سوا کرده در گودالی می‌کارند. مهمترین انواع محصول خرما عبارتند از: ربی، مضافتی، کروچ، کلگی، آب روغن، چربان، جوان داگ که طرز توزیع آن در صد درخت عبارتست از: ۳٪ جوان داگ، ۲٪ ربی، ۲۰٪ کروچ، ۱۰٪ مضافتی، ۵٪ کلگی و بقیه مجموعاً ۱۵٪ ربی و جوان داگ تقریباً یکنوع هستند ولی میزان محصول دومی دو برابر اولی است خرمای جوان داگ از ربی نامرغوب‌تر است. به طور متوسط یک نخل تاسن ۱۵ سالگی محصول می‌دهد و از آن پس درخت پوک شده محصول رو به نقصان می‌رود. یک نخل بالغ به طور متوسط در هر سال ۵۰ من بمپوری حاصل می‌دهد و بیشترین محصول از آن درختان ربی و مضافتی و جوان داگ است.

محصول خرمای ربی و مضافتی و جوان داگ به مصرف تغذیه مردم می‌رسد

و مازاد جوان داگ و بقیه برای تغذیه گوسفند و بز به ویژه در فصل خشک و کمبود علوفه بکار می رود و عملاً جانشین جوسی باشد.

مازاد محصول خرما را معمولاً پيله و ران (شکل ۱۳) و آنهم سلف می خرنند و در زمان مطالعه قیمت خرید خرما ربي کیلوئی . ۱۱ ریال مضافتی ۱۰ ریال جوان داگ ۱۷ ریال، کروچ و بقیه سه کیلو . ۱۱ ریال بود.

چوب درخت خرما برای پوشش سقف مساکن، ساختن در و سایر ابزار و آلات چوبی بکار می رود.

در این جا دامداری به شکل حرفه اصلی و جنبی کشاورزی از گذشته وجود داشته است و امروزه هم متداول می باشد و اکثر روستائیان چند عدد بز و معدودی گوسفند دارند.

مراغ تابستانی دامی در دامنه و دره های کوه بیرگ وجود دارد و نوعی مهاجرت گله با چوپانان و در حدی ناچیز کوچ نشینی شبانی، دامداری را اداره می کند. برابر گفته معتمدان محلی سالانه ده تن روغن حیوانی از این محل به دست می آید که عمده محصول آن به فروش می رسد و خود اهالی به خاطر ارزانی روغنهای نباتی از این نوع روغن مصرف می کنند. روغن حیوانی را نیز پيله و ران و بیشتر سلف می خرنند و با آن که در هنگام ارائه محصول یعنی از اردیبهشت تا آخر تیرماه متوسط قیمت فروش روغن در سالی که گذشت کیلوئی . . ۳ ریال بود پيله و ران سلف خرآن را کیلوئی . ۱۰ ریال خریده بودند. پيله و ران اغلب روغن را با گندم مبادله می کند یعنی از دو سو سود می برد. گندم را به زارع محتاج گران می فروشد و روغن را ارزان می خرد. پشم و مویز به همین نحو معامله می گردد.

#### نتیجه :

از مطالعه انجام شده چنین برمی آید که ناتوانی تکنیک وضعف بنیه اقتصادی

و مدیریت نارسای شرکتهای تعاونی روستائی محل عامل نقصان درآمد کشاورزی روستائیان ایرندگان است. این جا به علت محدودیت اراضی کشاورزی که به صورت طبیعی امکان توسعه آن ناچیز است باید به افزایش محصول در واحد سطح مزرعه روی آورد و در زمینه تولید خرما، برنج و محصولات باغی به ویژه بنشن، باقلا و سبزیها فعالیت کرده و بهره‌وری از آب رودخانه را به صورت علمی درآورد. برای افزایش توان اقتصادی کشاورزان باید وام طویل‌المدت کشاورزی، وام دامداری، وام زنجیری بین ۱ تا ۲ هزار تومان پرداخت شود. از نظر فنی مدرسه حرفه‌ای کشاورزی تأسیس کرد و لوازم و تجهیزات کشاورزی مدرن ولی متناسب با محل در اختیار روستائیان گذاشت. ایرندگان را از طریق جاده شوسه به خاش، ایرانشهر، سراوان از نزدیکترین فاصله مربوط نمود. توسعه حرف دستی، تأسیسات عمومی نظیر غسلخانه، حمام، شبکه مخابرات و پست، ایجاد و گسترش برق باید مورد نظر باشد تا در مجموع ازبیکاری و گرفتاری مردم کاسته شود و قدرت کار و بازده محصول افزایش یابد.